

سبک زندگی مفسر بزرگ قرآن تشریح شد

در تمام عمری که از خداوند گرفتیم یکبار مادر و پدرم به ما نگفتند که جوراب نازک نپوشید یا چادرتان را پائین تر بیاورید یا با مردها شوخی نکنید بلکه مادرم به نوعی رفتار می‌کرد که این گونه تربیت شدیم و لذا رفتار مادر روی ما اثر گذاشته است.



توسط نجمه سادات طباطبائی، دختر بزرگ علامه طباطبائی و همسر شهید آیت الله قدوسی:

سبک زندگی مفسر بزرگ قرآن تشریح شد

نجمه سادات طباطبائی: در تمام عمری که از خداوند گرفتیم یکبار مادر و پدرم به ما نگفتند که جوراب نازک نپوشید یا چادرتان را پائین تر بیاورید یا با مردها شوخی نکنید بلکه مادرم به نوعی رفتار می‌کرد که این گونه تربیت شدیم و لذا رفتار مادر روی ما اثر گذاشته است.

دختر بزرگ علامه طباطبائی با بیان اینکه علامه طباطبائی بعد از گذشت صدسال شناخته خواهد شد در عین حال از جامعه حوزوی و مردم ابراز ناراحتی می‌کند و می‌گوید: دوست داریم حقیقت بیشتر از این بیان شود؛ متأسفانه رفتارهایی را از برخی افراد می‌بینیم که انتظار نداریم و این خیلی دردناک است.

آنچه پیش‌رو دارید گفتگویی است که اعظم حاتمی، خبرنگار شفقنا، با خانم نجمه سادات طباطبائی دختر بزرگ علامه طباطبائی و همسر شهید والامقام آیت الله قدوسی، پیرامون سبک زندگی این مفسر بزرگ قرآن انجام داده است.

* سوال: در یک جمله علامه طباطبائی را معرفی کنید؟

امثال من نمی‌توانند آن مرحوم را تعریف کنند چون به قدری مقام ایشان بالا بود که هرکسی نمی‌تواند تعریف دقیقی از ایشان داشته باشد چون گوشه گوشه زندگی ایشان داستانی است اما در یک نگاه می‌توان گفت فردی متدین و متعهد بود که لحظه‌ای وقت خود را بیهوده نمی‌گذراند و مقصود ایشان همواره خدا بود و خود را کوچکترین فرد به شمار می‌آورد.

* سوال: گرچه در رابطه با ایشان نوشته‌ها و اقوال فراوان است اما با این همه شما خاطره‌ای از مرحوم علامه دارید که جایی نقل نشده اما در عین حال درس آموز باشد؟

به نظر من بالاتر از هر چیزی، اخلاص ایشان است که تعریف نشده است مثلاً هرگاه شاگردان ایشان به منزل مراجعه می‌کردند و ما پشت درب می‌رفتیم و متوجه می‌شدیم که آنها هستند به پدرم می‌گفتیم شاگردان شما آمدند اما پدرم به ما می‌گفت نگویید شاگردان بگوئید رفقاً. یعنی ایشان تا این حد متواضع بودند.

* سوال: یکی از مسائلی که در جامعه امروز مهم و اساسی است بحث تحکیم مبانی خانواده است؛ متأسفانه پایه‌های خانواده در زمان حاضر مورد حمله دشمنان قرار گرفته و ما فروپاشی خانواده‌ها را شاهد هستیم؛ رفتار علامه با فرزندان و همسر در خانواده چگونه بود؟

زندگی ما خیلی دوستانه بود و هیچگاه پدرم خود را جدا از اعضای خانواده نمی‌دانست و حتی در غذا خوردن، سهمی به اندازه بچه‌ها برمی‌داشت؛ هرگز به فرزندان خود دستور انجام کاری را نمی‌داد و این در تربیت و زندگی فرزندان مؤثر بود که هرکس به اندازه خودش باید کاری انجام دهد.

* سوال: آنچه از زندگی علامه طباطبائی بر می‌آید اینکه ایشان فعالیت دیگری هم انجام می‌دادند و تمام وقت خود را صرف تدریس و بحث نمی‌کردند. دلیل این امر چیست؟

تمام وقت پدرم صرف نوشتن می‌شد و درس را تعطیل کردند. مقابله تفسیر بسیار وقت گرفت؛ پدرم با آیت الله موسوی همدانی وقت زیادی را صرف این کار کردند. ایشان تدریس را تعطیل کردند چون معتقد بودند کسان دیگری هستند که می‌توانند تدریس کنند اما کار نوشتن تفسیر المیزان و کتابهای دیگر را کسی نمی‌توانست انجام دهد.

* سوال: چطور شد که علامه به نگارش تفسیر المیزان روی آورد؟

سالها بود که ایشان آرزوی نوشتن چنین تفسیری را داشتند؛ زمانیکه ما کودک بودیم مرتب به ما می‌گفت دعا کنید خداوند به من توفیق تمام کردن این کار را بدهد.

* سوال: چرا علامه طباطبائی از شهریه استفاده نمی‌کرد؟

شهید آیت الله قدوسی هم شهریه نمی‌گرفتند؛ چون معتقد بودند شهریه برای کسانی است که خیلی محتاج هستند؛ حتی از

خمس هم استفاده نمی‌کردند چون اعتقادشان این بود که سهم امام است و خرج کردن سهم امام خیلی مشکل است.

* سوال: مرحوم علامه در ریاضیات، فیزیک و ستاره شناسی هم متبحر بودند؛ چگونه این علوم را کسب کرده بود؟ پدرم در نجف اشرف استاد داشتند و از ایشان یاد گرفتند؛ مرحوم علامه می‌گفت خانه استاد نزدیک منزل ما بود؛ پیش ایشان رفتم و گفتم می‌خواهم این علوم را یاد بگیرم و آنها گفتند ایشان فقط ساعت ۱۲ ظهر وقت دارد لذا پدرم تعریف می‌کرد که با لباس و عمامه وارد حوض می‌شدند و با همان لباس خیس نزد استاد می‌رفت وقتی نزد استاد می‌رسید لباسش خشک شده بود؛ وقتی هم که از خدمت استاد مرخص می‌شد در حوضی که منزل استاد بود می‌رفت تا به خانه می‌رسید لباس ایشان خشک می‌شد. لذا ایشان به قدری مسلط بودند که هرسئوالی را پاسخ می‌داد.

* سوال: آیا مرحوم علامه طباطبائی در زمینه تربیت فرزندان بهره‌گیری لازم را از کلام وحی داشتند؟ شیوه تربیتی ایشان به چه صورتی بود؟

من خیلی زود ازدواج کردم اما آنچه که برای ما مشخص بود اینکه ایشان روی جهت خاصی حرکت می‌کردند؛ هیچگاه نمی‌گفت قرآن کریم چنین و چنان می‌گوید اما رفتار ایشان چه با فرزند و چه با همسر خدائی بود. به گونه‌ای رفتار می‌کردند که ما می‌فهمیدیم روی منبعی کار می‌کند.

* سوال: نسل امروز علامه طباطبائی را به یاد نمی‌آورد و شناختی که از ایشان دارد منحصر به تفسیر المیزان است؛ دلیل جاودانگی اثر ایشان را در چه می‌دانید؟

اخلاص؛ کسی که برای خدا کار کند هرگز گم نمی‌شود و این اعتقاد پدرم و همسر من بود که اگر کسی برای خدا کار کند هرگز گم نمی‌شود. ببینید آیا ائمه ما گم شدند؟

* سوال: ویژگی خاصی در نوشته‌های ایشان و به ویژه تفسیر المیزان توجه شما را جلب کرده است؟ شیوه گفتار ایشان واقعا شیرین و قابل استفاده برای همه است؛ من وقتی تفسیر را می‌خوانم احساس می‌کنم پدرم صحبت می‌کند.

* سوال: متأسفانه به نظر می‌رسد تفسیر المیزان در جامعه حوزوی و دانشگاهی ما مورد توجه قرار نمی‌گیرد و به نوعی مغفول مانده است.

به قول آیت الله شهید مطهری علامه و اثر ایشان بعد از صدسال شناخته می‌شود؛ مگر در زمانهای گذشته اینگونه شناخته شده بود؟ زمان دکتر علی شریعتی به درب منزل آمدند و خیلی اذیت کردند؛ این است که بزرگان تا وقتی در قید حیات هستند شناخته نمی‌شوند وقتی از میان مردم می‌روند شناخته می‌شوند.

* سوال: قرآن چگونه می‌تواند در متن زندگی مردم وارد شود؟ ما باید تبلیغاتی داشته باشیم؛ تبلیغات ما ناقص است. تلویزیون ما چه چیزی دارد؟ کدامیک از برنامه‌های آن آموزنده است؟ باید کانالی داشته باشیم که به مفهوم اصلی و پیام اصلی دین را به نسل امروز برساند. نسل جوان ما امروز این سؤال را دارد که همه دین یعنی چادر و مقنعه؟ نه دین این نیست؛ فرزندان امروز فکر می‌کنند دین با گذشته تفاوت کرده است.

* سوال: به نظر شما عامل دین زدگی جوانان چیست؟ افراط و تفریط و تبلیغ ناقص. ما باید بفهمیم چه چیزی می‌خواهیم بگوئیم؟ آیا مدارس ما دینی هستند؟ برخی از مدیران مدارس به ویژه مدارس غیرانتفاعی خیلی به خودشان مغرور هستند؛ آیا این خانم مدیر رفتارشان را از دین گرفته است؟ فرزندان ما همین مدیر را الگو قرار می‌دهند.

مادر من متدین بود اما خیلی متواضع بود و هرگز مغرور نبود؛ تواضع انسان را جلب خود می‌کند. در آپارتمانی که زندگی میکنیم اغلب ساکنان آن افراد بدون چادر هستند اما خیلی مؤدب و خوش زبان هستند و در مقابل [ممکن است] یک خانواده‌ای هست که چادری است، اما به او سلام می‌کنیم پاسخ نمی‌دهد و حتی پشت خود را به ما می‌کند که مبادا مجبور شود سلام کند. خب جوان ما از دین چه می‌فهمد؟ این رفتارها دین زدگی به وجود می‌آورد.

* سوال: علامه در زمینه حقوق همسایگان چگونه برخورد داشتند؟ مادرم خیلی با همسایگان دوست بود و رفت و آمد داشت؛ آن زمان طلاب از شهرهای دور به قم می‌آمدند و همسرانشان غریب بودند و لذا مدام آنها را نصیحت می‌کرد و برای ایشان لباس می‌دوخت و یا آشپزی به همسران طلاب یاد می‌داد و پدرم خوشحال بودند از این کار و مادر را تشویق می‌کردند. وقتی مادرم فوت کرد تشییع عجیبی داشت و همه طلاب و همسران آنها در تشییع جنازه ایشان حضور داشتند.

* سؤال: آموزه‌های قرآنی بنابر سخنان شما در زندگی علامه موج می‌زده و این رابطه همسر با همسر نمونه و اسوه‌ای از رابطه اسلامی بوده است؛ این روش تا چه اندازه در زندگی شما مورد استفاده قرار گرفته است؟

به نظر خودم و تا جائیکه می‌توانستیم پیاده کردیم و سعی کردیم زندگی ما هم منطبق با تعالیم قرآن باشد.

* سؤال: پیام علامه طباطبائی به نسل امروز چیست؟

اخلاص مهمترین پیام علامه به جوانان در هر دوره‌ای است. هر وقت خبرنگاری نزد ایشان می‌آمد و می‌گفت پیامی به جوانان دهید، می‌گفتند خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود ببینید در این صورت است که هیچگاه منحرف نمی‌شود. لذا اگر معتقد به این امر باشیم هرگز راه خلاف نمی‌رویم.

* سؤال: مسئله‌ای که امروز در جامعه وجود دارد بحث حجاب اجباری است؛ آیا شما در منزل خودتان و در زمینه پوشش با اجبار مواجه بودید؟

در تمام عمری که از خداوند گرفتیم یکبار
مادر و پدرم به ما نگفتند که جوراب نازک نپوشید یا چادران را پائین تر بیاورید یا با مردها شوخی نکنید بلکه مادرم به نوعی
رفتار می‌کرد که این گونه تربیت شدیم و لذا رفتار مادر روی ما اثر گذاشته است.

* سؤال: علامه طباطبائی به مباحث اخلاقی

چه نگاهی داشتند؟

ایشان به این مباحث و مسائل خیلی مقید بودند؛ اخلاق خودشان که فوق العاده بود و دوست داشتند که فرزندان هم اینگونه
باشند. ایشان هرگز عصبانی نمی‌شد و یکبار ندیدیم اخم کرده باشند.

* سؤال: زندگی علامه طباطبائی نمونه زندگی قرآنی است، به نظرتان اگر بخواهیم جامعه را با این افکار آشنا کرده و این نوع
زندگی را به عنوان الگو و اسوه معرفی کنیم، باید چه کارهایی را صورت دهیم؟

به نظر من تبلیغ خیلی مؤثر است و لذا باید سریال‌ها و فیلمهایی از زندگی بزرگان ساخته شود تا مردم شیوه صحیح زندگی
کردن را یاد بگیرند. به تدریج رویکردی که در برنامه‌های تلویزیون هست را تغییر دهیم.

* سؤال: شما به عنوان دختر ارشد علامه طباطبائی چه انتظاری را از جامعه و حوزه علمیه در قبال علامه و اثر جاودان ایشان
دارید؟

دوست داریم حقیقت بیشتر از این بیان شود؛ متأسفانه رفتارهایی را از برخی افراد می‌بینیم که انتظار نداریم و این خیلی
دردناک است.

* سؤال: اگر خاطره شیرینی از علامه دارید بیان کنید؟

مادرم بیمار بودند و ۲۴ روز در منزل بستری بود و بعد فوت کرد؛ خانمی برای آمپول زدن ایشان آمده بود؛ آقائی آن طرف
ایستاده بود، پدرم کنار بستر مادرم بودند و دست و پای ایشان خیلی می‌لرزید، این آقا خیلی تعجب کردند و صحبتی را با پدرم
داشتند که من تنها به این بخش از صحبت پدرم با این فرد رسیدم که گفت «۴۰ سال است من با خانم هستم الان ایشان را از
۴۰ سال قبل بهتر می‌بینم» در حالیکه مادرم خیلی ورم کرده بود. اینقدر قدردان بودند به نظرم پدرم تمام عاطفه بودند نه فقط با
مادرم یا فرزندان بلکه حتی وقتی نامی از آیت الله قاضی برده می‌شد بی اختیار اشک می‌ریخت و معتقد بود انسان در هر حالی
باید قدردان
نعمت‌های خداوند باشد.

* سؤال: خاطره‌ای از برخورد علامه با خودتان یا فرزندان دارید؟

من چون لوزه داشتم خیلی بیمار می‌شدم؛ تا تب می‌کردم مادرم می‌گفت نعلین حاج آقا را بیار و من خودم می‌رفتم می‌آوردم؛
سه بار این نعلین را به گلوی من می‌زدند به طوریکه می‌گفتند برگرد و بعد گلوی من خوب می‌شد.

قبل از تب، سردرد عجیبی داشتم حاج آقا وقتی وضو می‌گرفتند در همان حالی که دست ایشان خیس بود، می‌گفتند برو به
حاج آقا بده بنویسد؛ می‌رفتم کنار ایشان می‌نشستم و ایشان آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» را از این طرف پیشانی تا آن طرف
می‌نوشتند و بعد سردردم خوب می‌شد اما عجیب اینجا بود که انگار قرار نبود هر دفعه اینطور باشد و برخی اوقات مادرم
می‌گفت برو کفشها را بیار؛ هنوز نفهمیدم چه راز و سری در این کفشها بود.